

بررسی رابطه ساختاری سبک‌های دلستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی: نقش میانجی طرحواره‌های هیجانی

Investigating the structural relationship between attachment styles and childhood trauma with a tendency to extramarital relationships: The mediating role of emotional schemas

Fatemeh Ansari kolachahi

M.A. Family Counseling, Department of Educational sciences and Counseling, University of Guilian, Rasht, Iran.

Dr. Abbas Sadeghi*

Associate Professor, Department of Educational sciences and Counseling, University of Guilian, Rasht, Iran. asadeghi1394@gmail.com

Dr. Amir Qorbanpoor Lafmejani

Assistant Professor, Department of Educational sciences and Counseling, University of Guilian, Rasht, Iran.

فاطمه انصاری کلاچاهی

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

دکتر عباس صادقی (نویسنده مسئول)

دانشیار، گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

دکتر امیر قربان پور لفچانی

استادیار، گروه علوم تربیتی و مشاوره، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

Abstract

The aim of this study was to investigate the mediating role of emotional schemas in the relationship between attachment styles and childhood trauma with a tendency to extramarital relationships. The research method was descriptive-correlational. The statistical population of the present study consisted of all married students of Guilian University in the academic year 1399-1400, which included 2061 people, and 246 of them entered the study by the available sampling method. Research instruments included the Revised Adult Attachment Scale (RAAS, Collins and Reid, 1996), abbreviated childhood trauma Questionnaire (CTQ, Bernstein et al, 2003), Attitudes Towards Extramarital Relationships Scale (ATERS, Watley, 2006), and Emotional Schemas Scale (LESS, Leahy, 2002). A structural equation modeling method in the form of path analysis was used for data analysis. The results showed that the proposed research model has a good fit. Bootstrap results also showed that the indirect path of secure attachment style with a tendency towards extramarital relationships through adaptive and maladaptive emotional schemas was significant ($P<0.05$). The indirect path of ambivalent-anxious attachment style with a tendency towards extramarital relationships through adaptive and maladaptive emotional schemas was significant ($P<0.01$). The indirect path of childhood trauma with a tendency towards extramarital relationships through adaptive emotional schemas was significant ($P<0.05$). From the above findings, it can be concluded that emotional schemas play a mediating role between attachment styles and childhood trauma with a tendency towards extramarital relationships, and it is necessary to pay attention to these factors in prevention and counseling programs.

Keywords: Attachment Styles, Childhood Trauma, Extramarital Relationships, Emotional Schemas.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای طرحواره‌های هیجانی در رابطه سبک‌های دلستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانشجویان متاهل دانشگاه گیلان در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۴۰۰ بودند که از ۲۰۶۱ نفر، ۲۴۶ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس دلستگی بزرگسالان تجدید نظر شده (RAAS)، کولینز و رید، ۱۹۹۶، پرسشنامه ترومای کودکی فرم کوتاه شده (CTQ)، برنشتاین و همکاران، ۲۰۰۳، مقیاس نگرش نسبت به روابط فرازناشویی ATERS، واتلی، ۲۰۰۶ و مقیاس طرحواره‌های هیجانی LESS، لیهی، ۲۰۰۲ بود. برای تحلیل داده‌ها از مدل‌بایی معادلات ساختاری در قالب تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج نشان داد که مدل پیشنهادی پژوهش از برآش مطلوبی برخوردار بود. نتایج بوت استرت نیز نشان داد که مسیر غیرمستقیم سبک دلستگی ایمن با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره‌های هیجانی انطباقی و غیرانطباقی معنادار بود ($P<0.05$). مسیر غیرمستقیم سبک دلستگی اضطرابی-دوسوگرا با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره‌های هیجانی انطباقی و غیرانطباقی معنادار بود ($P<0.01$). مسیر غیرمستقیم ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره‌های هیجانی انطباقی معنادار بود ($P<0.05$). از یافته‌های فوق می‌توان نتیجه گرفت که طرحواره‌های هیجانی نقش واسطه‌ای را بین سبک‌های دلستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی ایفا می‌کند. لذا لزوم توجه به این عوامل در برنامه‌های پیشگیری و مشاوره‌ای ضروری است.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلستگی، ترومای دوران کودکی، روابط فرازناشویی، طرحواره‌های هیجانی.

مقدمه

دانشجویان یکی از مهم‌ترین اشاره‌جامعة هستند و بدون شک برنامه‌ریزی در جهت حفظ ارتقای سلامت جسمی و روانی آنان نقش مهمی در رشد و پویایی جامعه ایفا می‌کند. یکی از موضوعات مهم در خصوص دانشجویان، مسئله تشکیل خانواده است (فوربز و همکاران^۱، ۲۰۲۰؛ نقل از صفری و همکاران، ۱۴۰۱). پایه و اساس تشکیل خانواده ازدواج است که سمبول موفقیت اجتماعی است و نقش مهمی در سلامت فرد ایفا می‌کند (رایمو و پارک، ۲۰۲۰). یکی از دلایل مهم از هم پاشیدن ازدواج‌ها، نقض تعهد و اعتماد در قالب روابط فرازناشویی^۲ است (ولنتو و همکاران، ۲۰۲۰). پاسخ به این سوال که کدام رفتارها نشان‌گر روابط فرازناشویی است، بحث برانگیز است (اوزکال^۳، ۲۰۲۰). روابط فرازناشویی می‌تواند از معاشره‌تا آمیزش جنسی متفاوت باشد و معمولاً با دو شاخص عاطفی و جنسی (به طور همزمان یا به تنهایی) شناسایی می‌گردد (فیلیمون^۴، ۲۰۲۱). تعیین شیوع روابط فرازناشویی دشوار است زیرا رویکرد غالب در اغلب کشورها به علت تابوهای فرهنگی تأکید بر عدم صحبت و پنهان کاری است. در دهه‌های اخیر با مراجعته روزافروزن مراجعن به مراکز مشاوره و نیز گزارش‌های دادگستری به عنوان یکی از دلایل طلاق، این پدیده در کشور رشد کرده است (عیسی‌پور هفتاخوانی و همکاران، ۱۴۰۰). روابط فرازناشویی به اعتماد متقابل در همسران آسیب می‌زنند و پیامدهای عاطفی، روان‌شناختی، رفتاری و جنسی گستره‌های دارد (فیلیمون، ۲۰۲۱). به همین دلیل با توجه به شیوع بالا و عواقب ناشی از آن لازم است عوامل مؤثر در گرایش به روابط فرازناشویی تعیین گردد.

روابط فرازناشویی رویدادی چند بعدی می‌باشد و عوامل متعددی می‌توانند در بروز آن دخالت داشته باشند که از جمله عوامل اثرگذار در پیدایی این پدیده سبک‌های دلپستگی^۵ است (بختیاری و همکاران، ۱۴۰۰). براساس نظریه دلپستگی بالبی^۶ (۱۹۷۳) کودکان در طول سال اول زندگی با مراقب خود، پیوند عاطفی عمیقی به نام دلپستگی را شکل می‌دهند. انتظارات کودک درباره حساسیت، دردسترس بودن و پاسخگو بودن مراقب اولیه، منجر به شکل‌گیری سبک‌های دلپستگی متفاوتی می‌شود (فارسی‌جانی و همکاران، ۱۴۰۰). دلپستگی ایمن^۷ به تجربیات رابطه مثبت، دوستانه و حمایتی، دلپستگی اضطرابی^۸ به تجربیات دوسویه عشقی که در آن افراد تمایل به صمیمیت و در عین حال ترس از طرد شدن دارند و دلپستگی اجتنابی^۹ به تجربیات رابطه میتنی بر بی‌اعتمادی و عدم واستگی اشاره دارد (اوزتک-کازان و ارسلان^{۱۰}، ۲۰۲۲). بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بین سبک‌های دلپستگی با گرایش به روابط فرازناشویی رابطه معنادار وجود دارد (بختیاری و همکاران، ۱۴۰۰؛ نریمانی و ابراهیمی، ۱۳۹۹؛ وجودانی و همکاران، ۱۳۹۹؛ اوزکال، ۲۰۲۰؛ آلتینوک و کلیس^{۱۱}، ۲۰۲۰).

متون مربوط به خیانت، عوامل اثرگذار بر خیانت را شامل عوامل مربوط به فرد پیمان شکن، عوامل مربوط به فرد قربانی و عوامل رابطه‌ای می‌دانند (قهراری، ۱۳۹۵). از جمله عوامل مرتبط با فرد پیمان شکن که بر گرایش به روابط فرازناشویی اثرگذار است ترومای دوران کودکی^{۱۲} است (عزیزپور و همکاران، ۲۰۲۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ترومای دوران کودکی منجر به ایجاد دلپستگی اجتنابی و اضطرابی در روابط زناشویی می‌شود و توانایی اعتماد و صمیمیت با همسر را مختلف می‌کند و می‌تواند در گرایش به روابط فرازناشویی نقش داشته باشد (نگوزیچوکوکا^{۱۳}، ۲۰۲۱). تroma به معنای آسیب^{۱۴} است و به هر فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که سلامت، بقا و رشد مطلوب کودک را به خطر بیندازد (تاسورن^{۱۵}، ۲۰۲۲). ترومای کودکی در اشکال مختلف اتفاق می‌افتد که شامل سوءاستفاده جسمی، سوءاستفاده

-
1. Forbes, et all
 2. Raymo & Park
 3. Extramarital Relationships
 4. Valentova
 5. Ozkul
 6. Filimon
 7. Attachment Styles
 8. Bawby
 9. Secure Attachment
 10. Anxious Attachment
 11. Aviodant Attachment
 12. Ozteke-kozan & Arslan
 13. Altinok & Kilic
 14. Childhood Trauma
 15. Nqozichukwuka
 16. Arias
 17. Tasoren

جنسي، سوءاستفاده هيجانى، غفلت در تأمین نيازهای چون امنیت، تغذیه و پوشاك و غفلت هيجانى (تأمین حمايت عاطفى و تربیتى) می‌باشد (تاسورن، ۲۰۲۲، هوگان^۱، ۲۰۱۹). پژوهش گوبوت و همكاران،^۲ (۲۰۲۰) نشان می‌دهد افراد با ساقهه ترومای دوران کودکی با احساس بی‌اعتمادی و ترس از رها شدن رشد می‌کنند و ممکن است در معرض مشکلات بین‌فردى بيشتری از جمله نارضایتی زناشویی و گرایش به روابط فرازاناشویی قرار بگیرند. عزیزپور و همكاران (۱۳۹۹) و شاهی (۱۳۹۸) نیز نشان دادند که بین ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازاناشویی رابطه معنادار وجود دارد.

روابط بین متغیرها همیشه خطی نیست و گاهی اوقات متغیرهای میانجی بین متغیرها ایفای نقش می‌کنند که بررسی آن‌ها در درک پدیده‌ها ضروری به نظر می‌رسد. از جمله متغیری که به نظر می‌رسد می‌تواند در رابطه بین سبک‌های دلستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازاناشویی نقش میانجی داشته باشد، طرحواره‌های هيجانی^۳ است (رضایپور میرصالح و همكاران، ۱۴۰۰). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که طرحواره‌های هيجانی همیشه خود را در جریان یک رابطه نشان می‌دهند و افرادی که طرحواره‌های هيجانی منفی زیادی دارند، به بروز واکنش شدید به موقعیت‌های تنشی‌زا تمايل دارند و نسبت به دیگران بیش از حد حساسیت نشان می‌دهند که این خصیصه‌های منفی در دراز مدت می‌تواند منجر به نارضایتی، تعارضات زناشویی و گرایش به روابط فرازاناشویی شود (بوراسمعایلی نجف‌آبادی و همكاران، ۲۰۲۱؛ زمانی‌زرآچی و همكاران، ۱۳۹۷). طرحواره‌های هيجانی چارچوبی برای تفسیر احساسات ارائه می‌کنند و به دو دسته طرحواره‌های هيجانی انطباقی^۴ (طرحواره‌های تأیید طلبی، قابل درک بودن، ارزش‌های برتر، کنترل، ابراز هيجانی، توافق و پذیرش) و طرحواره‌های هيجانی غیرانطباقی^۵ (طرحواره‌های احساس گناه، دیدگاه ساده انگارانه، بی‌حسی هيجانی، خردگرایی، نشخوار ذهنی، تداوم و پذیرش) تقسیم می‌شوند (لیهی،^۶ ۲۰۱۹). پژوهش‌ها نشان می‌دهند که برخی از طرحواره‌های منفی می‌توانند بر کیفیت رابطه زوجین و متعاقب‌در گرایش به روابط فرازاناشویی اثرگذار باشند (ملکعسگر و همكاران، ۱۳۹۹؛ جکسون و همكاران، ۲۰۱۴^۷). از طرفی دیگر طرحواره‌های هيجانی در اثر قواعدی که در تعاملات با ظاهر دلستگی اصلی وجود داشته، شکل می‌گیرند. طبق نظریه دلستگی، کودکان در سن دو یا سه سالگی شروع به ایجاد طرحواره‌های هيجانی براساس شکل‌های دلستگی خود می‌کنند (اویتک-کازان وارسلان، ۲۰۲۲). در واقع می‌توان گفت که نوع رابطه با والدین تأثیرات مختلفی بر نحوه کنار آمدن با هيجانات و همچنین شکل‌دهی باورهای مربوط به هيجانات دارد. تجربیات منفی مرتبط با ترومای کودکی ممکن است منجر به ایجاد طرحواره‌های هيجانی غیرانطباقی و راهبردهای ناکارآمد در مقابله با هيجان شود (تاسورن، ۲۰۲۲). نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که بین سبک‌های دلستگی و طرحواره‌های هيجانی رابطه معنادار وجود دارد (فارسيجانی و همكاران، ۱۴۰۰؛ شاهوراني و خرمابي، ۱۳۹۷؛ اورلايث^۸، ۲۰۱۹؛ ادوازد و ويرمن^۹، ۲۰۱۹). همچنین پژوهش‌های فرخزاديان و همكاران (۱۳۹۸)، رضائي و همكاران (۱۳۹۷)، تاسورن (۲۰۲۲)، بوگ و همكاران^{۱۰} (۲۰۱۹) نیز نشان دادند که بین ترومای دوران کودکی و طرحواره‌های هيجانی رابطه معنادار وجود دارد.

روابط فرازاناشویی در نگاه اول پدیده فردی به نظر می‌رسد، اما با توجه به پيامدهای ناگوار آن که نهاد خانواده، تربیت فرزندان و نیز سلامت جامعه را دچار اختلال می‌کند، جزء آسيبهای اجتماعی پنهان و بسيار جدي به شمار می‌رود. خيانت با طلاق (تونل و ديويس،^{۱۱} ۲۰۱۵) و بی‌ثبتاتي ازدواج (كونروي^{۱۲} و همكاران، ۲۰۱۸) رابطه دارد. همچنین خيانت تاثيراتي چون بی‌خوابي، فشار خون، اضطراب و استرس، مشكلات گوارشي، بی‌نظمی هورموني، پيری زودرس و مشكلات قلبی بر فرد قرباني دارد (آسيش و همكاران، ۲۰۱۷). همچنین خشم شدید، فقدان اعتماد، کاهش اعتماد به نفس شخصی و جنسی، کاهش عزت نفس و طرحواره رهاشدگی از دیگر آثار خيانت است

18. Hogan

19. Gobout

1. Emotional Schemas

2. Adaptive Emotional Schemas

3. Non-Adaptive Emotional Schemas

4. Leahy

5. Jackson

6. Orlaith

7. Edwards & Wupperman

8. Baugh

11 . Tuttle & Davis

12 . Conroy

بررسی رابطه ساختاری سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی: نقش میانجی طرحواره‌های هیجانی
Investigating the structural relationship between attachment styles and childhood trauma with a tendency to extramarital ...

(همار، ۲۰۲۱). همچنین خیلیت آثار جبران ناپذیری بر کودکان خانواده برجای می‌گذارد (نگاش و مورگان، ۲۰۱۶). با توجه به تاثیر ویژگی‌های شخصیتی بر خیانت در دانشجویان متاهل (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶) و نقش کلیدی هیجانات (رضاضور میرصالح و همکاران، ۱۴۰۰) و تجارب آسیب‌زای دوران کودکی بر این پدیده در این قشر از جامعه (عزیزبور و همکاران، ۱۳۹۹) هر گونه مدل‌سازی در حوزه گرایش به روابط فرازناشویی جهت انسجام بخشی خانواده‌ها و پیشگیری از مشکلات و راهکارهایی برای سلامت زوجین به عنوان یک دغدغه علمی بسیار حائز اهمیت است. از این جهت هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای طرحواره‌های هیجانی در رابطه سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی بود.

روش

پژوهش حاضر از لحاظ روش توصیفی از نوع همبستگی است که در قالب مدل معادلات ساختاری انجام شده است. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه‌ی دانشجویان متأهل دانشگاه گیلان در نیمسال اول ۱۳۹۹-۱۴۰۰ است که تعدادشان ۲۰۶۱ نفر بود. با در نظر گرفتن تعداد ۱۰ شرکت‌کننده به ازای هر خرده مقیاس (۲۲ خرده مقیاس)، و ۱۰ تا ۲۰ درصد افت و ریزش پرسشنامه‌ها، حجم نمونه حاضر محاسبه شد (کلاین، ۲۰۰۵). بر این اساس ۲۴۶ نفر از دانشجویان متأهل دانشگاه گیلان به روش نمونه‌گیری دردسترس برآسانس ملاک‌های ورود (اشتغال به تحصیل در دانشگاه گیلان، متأهل بودن، رضایت آگاهانه، گذشت حداقل یک سال از مدت تأهل، عدم معلولیت جسمانی و عدم ابتلاء به بیماری‌های مزمن) و ملاک‌های خروج (ارائه اطلاعات ناقص و نامعتبر و انصراف از تکمیل پرسشنامه‌ها) وارد پژوهش شدند. از آنجا که این پژوهش در زمان شیوع کووید-۱۹ اجرا شد که تمامی دانشگاه‌ها به صورت غیرحضوری برگزار می‌شدند، در نتیجه پرسشنامه‌ها به صورت مجازی در کانال‌ها و شبکه‌های اجتماعی (تلگرام، واتساپ و اینستاگرام) مرتبط با دانشگاه گیلان بارگذاری شد. در این پژوهش اصول اخلاقی همچون دریافت رضایت آگاهانه به صورت آنلاین، شرح اهداف پژوهش و رازداری از اطلاعات فردی شرکت‌کنندگان به طور کامل رعایت شد. در نهایت برای تحلیل داده‌های پژوهش از نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۶ و AMOS نسخه ۲۴ استفاده شد و جهت تحلیل روابط میانجی نیز از روش بوت استرپ در برنامه MACRO پریچر و هایز (۲۰۰۸) استفاده گردید.

ابزار سنجش

مقیاس دلبستگی بزرگسالان تجدید نظر شده^۱ (RAAS): این مقیاس توسط کولینز و رید^۲ (۱۹۹۶) طراحی شده و شامل ۱۸ گویه است که ۳ زیرمقیاس دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (۱-کاملاً مخالف تا ۵-کاملاً موافق) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. حداقل نمره در هر زیرمقیاس ۰ و حداکثر نمره ۲۴ می‌باشد. نمره گذاری سوالات ۶، ۵، ۸، ۱۷، ۱۶، ۱۸ به صورت معکوس انجام می‌شود. کسب نمره پایین در دلبستگی اجتنابی و اضطرابی نشان دهنده نبود دلبستگی ایمن و نمره بالا نشان دهنده ایمن بودن دلبستگی است؛ کسب نمره پایین در دلبستگی اجتنابی و اضطرابی بالا است. کولینز و رید (۱۹۹۰) پایاگی به روش آلفای کرونباخ را در زیرمقیاس دلبستگی ایمن ۰/۸۱، دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا ۰/۷۸ و دلبستگی اجتنابی ۰/۸۵ گزارش کردند و همبستگی این ابزار با پرسشنامه رفتار اجتماعی تگزاس^۳ برای دلبستگی ایمن، اضطرابی-دوسوگرا و اجتنابی برابر با ۰/۲۹ و ۰/۳۰ و ۰/۲۲ به عنوان شاخصی از روای همزمان گزارش کردند (بختیاری و همکاران، ۱۴۰۰). حسنوند و همکاران (۱۴۰۰) پایاگی به روش آلفای کرونباخ را برای دلبستگی ایمن ۰/۸۷، دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا ۰/۷۷، برای دلبستگی اجتنابی ۰/۷۶ و برای کل مقیاس ۰/۸۴ گزارش کردند و روای سازه این مقیاس به روش تحلیل عاملی تاییدی بر روی ۲۵۰ نفر از زنان انجام دادند؛ نتایج ۳ عامل دلبستگی ایمن، دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا و دلبستگی اجتنابی را تایید کردند. ناصری کریموند و اعظمی (۱۴۰۰) پایاگی به روش آلفای کرونباخ را برای دلبستگی ایمن، اضطرابی-دوسوگرا و اجتنابی به ترتیب ۰/۷۷، ۰/۷۵ و ۰/۷۲ و با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی شاخص‌های برازنده‌گی محدود کای هنجر شده ۱/۲۱، ریشه

1 .Hammer

2 . Negash & Morgan

1. Kline

2. Revised Adult Attachment Scale

3. Collins & Reed

4. Texas Social Behavior Inventory

خطای میانگین مجددات تقریب ۰/۰۳۷، برازش مقایسه‌ای ۰/۹۹۱ و تاکر-لوئیس ۰/۹۸۷ را به عنوان شاخصی از روایی سازه ابزار گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ برای دلستگی اجتنابی ۰/۸۱، دلستگی اجتنابی ۰/۸۴ و دلستگی اضطرابی- دوسوگرا ۰/۷۹ برآورد شد.

پرسشنامه ترومای کودکی^۱ فرم کوتاه شده (CTQ): این مقیاس توسط برنشتاین و همکاران^۲ (۲۰۰۳) جهت سنجش آسیب‌های کودکی طراحی شده است. شامل ۲۸ گویه است که ۵ زیرمقیاس سوءاستفاده جسمی، سوءاستفاده جنسی، سوءاستفاده هیجانی، غفلت جسمی و غفلت هیجانی را در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (۱- هرگز تا ۵- همیشه) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. دامنه نمرات برای هر کدام از زیرمقیاس‌ها از ۵ تا ۲۵ و برای کل پرسشنامه ۲۵ تا ۱۲۵ می‌باشد. نمره‌گذاری سوالات ۲، ۵، ۷، ۱۳، ۱۹، ۲۶، ۲۸ به صورت معکوس انجام می‌شود. نمرات بالاتر نشان دهنده ترومای بیشتر در کودکی است. برنشتاین و همکاران (۲۰۰۳) پایایی این ابزار را به دو روش بازآزمایی در فاصله ۲ ماهه و آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۷۹ تا ۰/۹۴ و همبستگی بالای این ابزار با مصاحبه‌های بالینی بزرگسالان در مورد بدرفتاری کودکی برای زیرمقیاس‌های سوءاستفاده هیجانی، سوءاستفاده جنسی، سوءاستفاده هیجانی، غفلت جسمی و غفلت هیجانی به ترتیب ۰/۲۷، ۰/۳۲، ۰/۷۲، ۰/۱۶ و ۰/۲۰ به عنوان شاخصی از روایی همگرا گزارش کردند (ذراتی و همکاران، ۱۳۹۹). گروسوی و نخعی (۲۰۰۹) پایایی به روش بازآزمایی در فاصله دو هفته و به روش همسانی درونی را به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۴ و روایی همگرا این ابزار با پرسشنامه سلامت عمومی^۳ ۰/۴۰ گزارش کردند. سلیمانی و همکاران (۱۴۰۰) پایایی این ابزار را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۴ و با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی شاخص‌های بازآزمایی مجدد کای هنجار شده ۲/۵۸۸، ریشه خطای میانگین مجددات تقریب ۰/۰۷۸ و برازش مقایسه‌ای ۰/۹۲ را به عنوان شاخصی از روایی سازه ابزار گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ برآورد شد.

مقیاس نگرش نسبت به روابط فرازنashویی^۴ (ATERS): این پرسشنامه توسط واتلی^۵ (۲۰۰۶) جهت سنجش نوع احساسات و تفکر افراد نسبت به روابط فرازنashویی طراحی شده است. شامل ۱۲ گویه است که هر سؤال را در یک طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (۱- بسیار مخالف تا ۷- بسیار موافق) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. دامنه نمرات بین ۱۲ تا ۸۴ می‌باشد. نمره‌گذاری سوالات ۲، ۵، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۹ به صورت معکوس انجام می‌شود. نمرات بالاتر نشان دهنده نگرش مثبت به روابط فرازنashویی است. واتلی (۲۰۰۶) پایایی را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ و روایی با روش واگرا با استفاده از پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت ۰/۸۶ گزارش کرد. به گونه‌ای که روایی واگرا با جهت‌گیری مذهبی درونی، ۰/۲۹ و با جهت‌گیری مذهبی بیرونی ۰/۱۶ به دست آمد. (بختیاری و همکاران، ۱۴۰۰). فردوسی (۱۳۹۷) همسانی درونی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ و روایی با استفاده از ضریب توافق کندال ۰/۷۰ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۰ برآورد شد.

مقیاس طرحواره‌های هیجانی لیهی^۶ (LESS): این مقیاس توسط لیهی (۲۰۰۲) طراحی شده است. فرم اصلی شامل ۵۰ گویه است که ۱۴ بعد طرحواره‌های هیجانی را در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای (۱- کاملاً مخالف تا ۵- کاملاً موافق) مورد ارزیابی قرار می‌دهد. دامنه نمرات بین ۰ تا ۱۴۸ می‌باشد. علاوه بر نمره هر زیرمقیاس، دو نمره کلی یعنی طرحواره‌های انطباقی و غیرانطباقی نیز محاسبه می‌شود. نمرات بالاتر در هر زیرمقیاس نشان دهنده میزان بیشتر طرحواره‌های هیجانی آن زیرمقیاس است. لیهی (۲۰۰۲) پایایی این ابزار را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ نشان داد و روایی را با استفاده از تحلیل همبستگی گویه‌ها با یکدیگر و همبستگی با سیاهه‌های چند محوری بالینی میلون، اضطراب بک، افسردگی بک روی ۵۳ بیمار روان‌پزشکی مورد بررسی قرار داد. نتایج حاصل نشان داد که اکثریت ابعاد ۱۴ گانه این مقیاس همبستگی‌های معناداری با اضطراب و افسردگی در سطح معناداری ۰/۰۵ < p دارد. نسخه فارسی این مقیاس توسط خانزاده و همکاران (۱۳۹۲) تهیه شده است؛ که از طریق تحلیل عامل اکتشافی این مقیاس و حذف ۲ طرحواره بی‌حسی هیجانی و تداوم و اضافه شدن یک طرحواره جدید تعداد گویه‌ها به ۳۷ گویه کاهش یافته است. پایایی نسخه فارسی به دو روش بازآزمایی در فاصله ۲ هفته و آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۷۸ و ۰/۸۱ گزارش شد (امیری‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۰). رضایی و همکاران (۱۳۹۷) پایایی این

5. Childhood Trauma Questionnaire

6. Bernstein

1. General Health Questionnaire

2. Attitude Toward Extramarital Relationships Scale

3. Watley

4. Leahy Emotional Schemas Scale

بررسی رابطه ساختاری سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی: نقش میانجی طرحواره‌های هیجانی
Investigating the structural relationship between attachment styles and childhood trauma with a tendency to extramarital ...

ابزار را با روش آلفای کرونباخ $\alpha=0.79$ و روایی همگرای این مقیاس را با مقیاس محرومیت هیجانی پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه
یانگ^۱ $\alpha=0.43$ گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز ضریب آلفای کرونباخ $\alpha=0.79$ برآورده شد.

یافته‌ها

در پژوهش حاضر ۲۴۶ نفر از دانشجویان متأهل دانشگاه گیلان (۱۸۵ زن و ۶۱ مرد) مورد بررسی قرار گرفتند. میانگین سنی و طول مدت
ازدواج آزمودنی‌ها به ترتیب برابر با $5/34 \pm 26/60$ و $3/26 \pm 79$ بود. مقطع تحصیلی ۴ نفر (۱/۶) از آزمودنی‌ها کاردانی، ۱۴۱ نفر (۵۷/۳)
کارشناسی، ۹۷ نفر (۳۹/۴) ارشد و ۴ نفر (۱/۶) دکترا بود. ۱۷۴ نفر (۷۰/۷) بدون فرزند، ۵۱ نفر (۲۰/۷) یک فرزند، ۱۷ نفر (۶/۹) دو فرزند و ۴
نفر (۱/۶) دارای سه فرزند بودند. اکثریت آزمودنی‌های (۳۴/۶) در صد شغل آزاد داشتند و از لحاظ میزان درآمد، (۴۴/۷) بدون درآمد بودند.

جدول ۱. ماتریس همبستگی و آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

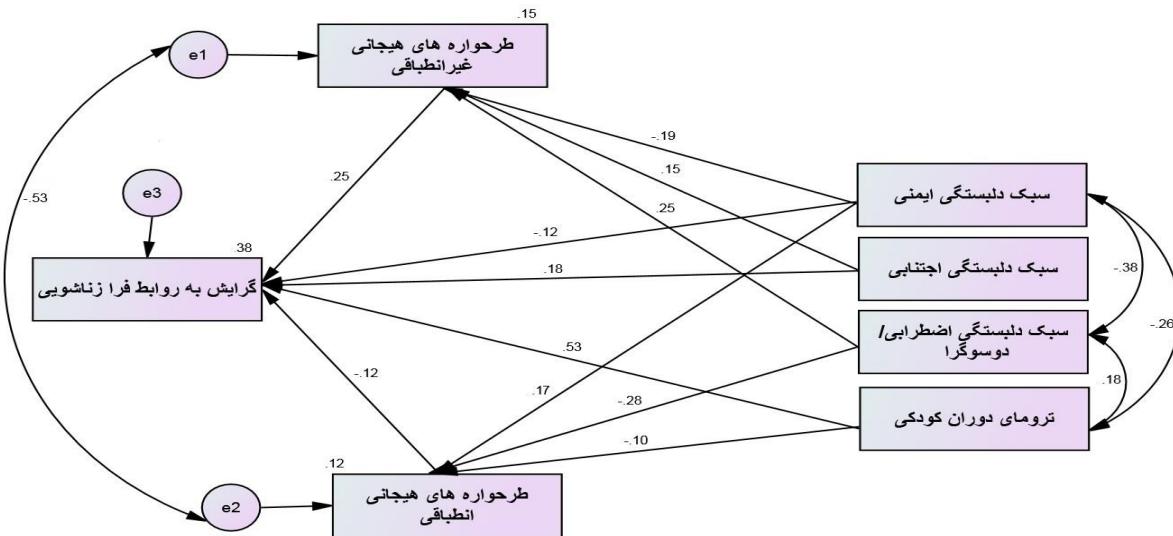
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. سبک دلبستگی اینمن						
۲. سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۲۵۶*					
۳. سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا	-۰/۳۷۹**					
۴. ترومای دوران کودکی	-۰/۲۶۱**					
۵. گرایش به روابط فرازناشویی	-۰/۲۱۷*					
۶. طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی	-۰/۲۹۹**					
۷. طرحواره‌های هیجانی انطباقی	۰/۲۰۳**					
میانگین						
انحراف معیار						
کجی						
کشیدگی						

* $P<0.05$, ** $P<0.01$

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهد، کلیه همبستگی بین متغیرهای پژوهش به جزء سبک دلبستگی اجتنابی با طرحواره‌های هیجانی انطباقی،
سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا با گرایش به روابط فرازناشویی و ترومای دوران کودکی با طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی در سطح
 $p < 0.05$ معنی‌دار است. پیش از تحلیل داده‌ها، پیش فرض‌های این روش مورد بررسی قرار گرفت. عدم وجود داده‌های پرت، از طریق
شاخص d^2 ماهالانوبیس، مورد بررسی قرار گرفت و سطوح معناداری کمتر از 0.05 حاکی از دور افتاده بودن داده‌های پرت مورد نظر است.
برای بررسی نرمالیتی چند متغیری از ضریب کشیدگی استاندارد شده مردیا^۲ استفاده شده است. این عدد در پژوهش حاضر $4/827$ به
دست آمده که کمتر از عدد 63 می‌باشد. عدد مذکور از طریق فرمول $(p+2)/p$ محاسبه شده است. (تعداد متغیرها = p). در ادامه از الگویابی
معادلات ساختاری در قالب تحلیل مسیر مبتنی بر روش کوواریانس استفاده شد و پارامترهای مدل به روش بیشینه درستنمایی برآورد
شدند.

5. Young Early Maladaptive Schemas

1. Mardia's Normalized Multivariate Kurtosis Value



شکل ۱. ضرایب استاندارد مدل نهایی رابطه سبک‌های دلبرستگی و ترومای کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی با نقش میانجی طرحواره‌های هیجانی

شکل ۱ مدل بررسی روابط بین متغیرها را نشان می‌دهد. در این مدل متغیرهای سبک‌های دلبرستگی و ترومای دوران کودکی متغیر بروزرا بوده و نقش مستقیم آنها بر طرحواره‌های هیجانی و گرایش به روابط فرازناشویی و نقش غیرمستقیم آنها بر گرایش به روابط فرازناشویی مورد بررسی قرار گرفت. نقش مستقیم طرحواره‌های هیجانی بر گرایش به روابط فرازناشویی نیز در مدل ارائه شده است. در جدول ۲ اطلاعات مربوط به ضرایب استاندارد و غیراستاندارد کلیه مسیرها در مدل نهایی پژوهش ارائه شده است.

جدول ۲. ضرایب استاندارد و غیراستاندارد مسیرهای مدل نهایی

مسیر	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد	خطای معیار	نسبت بحرانی	سطح معنی‌داری (P)
سبک دلبرستگی اینم<---> گرایش به روابط فرازناشویی	-0/414	-0/118	0/145	-2/859	>0.31
سبک دلبرستگی اینم<---> طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی	-0/398	-0/188	0/115	-3/456	<0.001
سبک دلبرستگی اینم<---> طرحواره‌های هیجانی انطباقی	0/433	0/168	0/134	3/236	>0.002
سبک دلبرستگی اجتنابی<---> گرایش به روابط فرازناشویی	0/402	0/178	0/119	3/382	<0.001
سبک دلبرستگی اجتنابی<---> طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی	0/420	0/147	0/139	3/025	>0.007
سبک دلبرستگی اجتنابی<---> طرحواره‌های هیجانی انطباقی	-0/196	-0/059	0/202	-0/974	<0.330
سبک دلبرستگی اضطرابی-دوسوگرا<---> گرایش به روابط فرازناشویی	0/158	0/089	0/103	1/535	>0.125
سبک دلبرستگی اضطرابی-دوسوگرا<---> طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی	0/370	0/244	0/078	4/754	<0.001
سبک دلبرستگی اضطرابی-دوسوگرا<---> طرحواره‌های هیجانی انطباقی	-0/411	-0/275	0/087	-4/958	<0.001
ترومای دوران کودکی<---> گرایش به روابط فرازناشویی	0/220	0/527	0/041	5/387	<0.001
ترومای دوران کودکی<---> طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی	0/014	0/074	0/254	0/057	>0.959
ترومای دوران کودکی<---> طرحواره‌های هیجانی انطباقی	-0/311	-0/100	0/154	-2/021	>0.046

بررسی رابطه ساختاری سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی: نقش میانجی طرحواره‌های هیجانی
Investigating the structural relationship between attachment styles and childhood trauma with a tendency to extramarital ...

</>۰۰۱	۴/۹۷۸	-/۱۱۲	-/۲۴۹	-/۵۵۷	طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی ---> گرایش به روابط فرازناشویی
-/۰۱۲	-۲/۴۵۲	-/۱۲۵	-/۰۱۲۰	-/۰۳۰۶	طرحواره‌های هیجانی انطباقی ---> گرایش به روابط فرازناشویی

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که ضرایب استاندارد کلیه مسیرها (به جزء مسیرهای سبک دلبستگی اجتنابی به طرحواره‌های هیجانی انطباقی، سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا به گرایش به روابط فرازناشویی و ترومای دوران کودکی به طرحواره‌های هیجانی انطباقی) با توجه به مقدار نسبت بحرانی بالاتر از ۱/۹۶ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ معنی دار هستند. در جدول ۳ اطلاعات مربوط به نتایج آزمون بوت استرپ برای مسیرهای غیر مستقیم ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج بوت استرپ برای مسیرهای غیرمستقیم مدل نهایی

سطح معنی- داری	شاخص							مسیر
	حد بالا	حد پایین	خطا	سوگیری	بوت	داده		
</>۰۰۱	-۰/۱۰۵۱	-۰/۳۵۴۲	۰/۰۲۳۴	۰/۰۰۰۲	-۰/۲۴۱۶	-۰/۲۴۱۸	سبک دلبستگی اینمن با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره هیجانی غیرانطباقی	
-/۰۳۵	-۰/۰۰۵۸	-۰/۲۲۶۲	۰/۰۳۳۸	۰/۰۰۰۱	-۰/۱۶۵۰	-۰/۱۶۵۱	سبک دلبستگی اینمن با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره هیجانی انطباقی	
-/۲۱۹	-/۰۱۵۴	-۰/۲۲۱۴	۰/۰۳۲۷	۰/۰۰۰۴	-/۰۱۴۷	-/۰۱۴۳	سبک دلبستگی اجتنابی با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره هیجانی غیرانطباقی	
-/۷۵۹	-/۱۲۸۱	-۰/۰۴۴۱	۰/۰۴۲۷	۰/۰۰۰۵	-۰/۰۲۰۵	-۰/۰۲۱۰	سبک دلبستگی اجتنابی با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره هیجانی انطباقی	
-/۰۰۱	-/۴۳۰۹	-/۲۹۱۰	۰/۰۳۲۰	۰/۰۰۰۲	-/۰۳۵۲۱	-/۰۳۵۱۹	سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره هیجانی غیرانطباقی	
-/۰۰۷	-/۳۱۷۳	-/۱۱۲۵	۰/۰۷۹۱	۰/۰۰۰۲	-/۰۲۰۴۳	-/۰۲۰۴۱	سبک دلبستگی اضطرابی-دوسوگرا با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره هیجانی انطباقی	
-/۰۸۴۹	-/۰۱۳۶	-۰/۰۳۷۲	۰/۰۱۲۴	۰/۰۰۰۳	-/۰۰۰۶۵	-/۰۰۰۶۲	ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره هیجانی غیرانطباقی	
-/۰۴۶	-/۰۲۰۷۴	-۰/۰۰۴۹	۰/۰۱۳۱	۰/۰۰۰۱	-/۰۱۱۱۸	-/۰۱۱۱۷	ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره هیجانی انطباقی	

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که کلیه مسیرهای غیرمستقیم (به جزء سبک دلبستگی اجتنابی با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره‌های هیجانی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی از طریق طرحواره‌های هیجانی انطباقی) با توجه به سطح اطمینان ۹۵٪ و در برنگرفتن عدد صفر در فاصله حد پایین تا حد بالا معنی دار است. در جدول شماره ۴ شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی و نهایی ارائه شده است.

جدول ۴. شاخص‌های برازندگی برای الگوی تدوین شده

GFI	IFI	PCFI	CFI	PNFI	RMSEA	χ^2/df	df	χ^2	شاخص‌های برازش
-/۹>	-/۹>	-/۵>	-/۹>	-/۵	-/۰۰۸<	۳<			دامنه پذیرش
-/۹۸۱	-/۹۶۲	-/۵۷۴	-/۹۶۰	-/۵۷۰	-/۰۷۴	۲/۸۹۷	۶	۱۷/۳۸۳	مقادیر بدست آمده

برای برآورد مدل ساختاری از روش بیشینه درستنمایی استفاده شد. در این مدل شاخص‌های برازنده‌گی ریشه واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر ۰/۰۷۴، شاخص برازنده‌گی مقایسه‌ای (CFI) برابر ۰/۹۶۰، شاخص برازنده‌گی ایجاد (PNFI) برابر ۰/۵۷۰، شاخص برازنده‌گی مقایسه‌ای پارسیمونس (PCFI) برابر ۰/۵۲۴، شاخص برازنده‌گی افزایش (IFI) برابر ۰/۹۶۲، شاخص نیکویی برازنده (GFI) برابر ۰/۹۸۱ بدست آمد. همچنین شواهد حاکی از آن است که مقدار حی دو در این تحلیل ۱۷/۳۸۳ بدست آمد و درجه آزادی ۶ بوده که در نتیجه میزان $\chi^2/df=2/897$ بدست آمد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه‌ای طرحواره‌های هیجانی در رابطه سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازنشویی بود. نتایج نشان داد که بین سبک‌های دلبستگی ایمن به صورت منفی و معنادار و سبک‌های دلبستگی اجتنابی به صورت مثبت و معنادار با گرایش به روابط فرازنشویی رابطه وجود دارد. این یافته به طور کلی با نتایج پژوهش‌های بختیاری و همکاران (۱۴۰۰)، نریمانی و ابراهیمی (۱۳۹۹)، وجданی و همکاران (۱۳۹۹)، اوزکال (۲۰۲۰) و آلتینوک و کلیس (۲۰۲۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که روابط فرازنشویی حکایت از مشکلات زیرساختی تربیتی دارد و ایجاد دلبستگی ایمن از سوی والدین یکی از راهکارهای اصلی برای کاهش گرایش افراد به روابط فرازنشویی است؛ زیرا این افراد در روابط زناشویی خود احساس راحتی و اطمینان می‌کنند. اوزکال (۲۰۲۰) دریافت که احتمال گرایش به روابط فرازنشویی در افراد با دلبستگی ایمن کمتر است؛ زیرا به دلیل تعهد زیاد در روابط، این افراد رابطه جنسی را یک عمل انحصاری می‌دانند که فقط باید با همسر انجام شود. اما افراد با سبک دلبستگی اجتنابی نیازی به روابط نزدیک ندارند و نسبت به از بین رفت رابطه زناشویی نگرانی کمتری دارند. شاکوتیچ و همکاران^۱ (۲۰۲۲) و هوگان (۲۰۱۹) نیز نشان دادند که افراد با دلبستگی اجتنابی در مقایسه با افراد با دلبستگی اضطرابی، در حل تعارضات زناشویی ناکارآمدترند؛ زیرا در موقعیت‌های اضطراب‌زا از مکانیزم‌های ناپاخته‌تری همچون روابط فرازنشویی برای رفع اضطراب استفاده می‌کنند.

یافته‌ی دیگر نشان داد که بین ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازنشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های عزیزبور و همکاران (۱۳۹۸)، شاهی (۱۳۹۸)، نگوزیچکوکا (۲۰۲۱) و گوبوت و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین محیط‌ها برای یک فرد، محیط دوره کودکی است و زمانی که افراد ترومای کودکی را تجربه می‌کنند به احتمال زیاد گرایش فرد به شکل اجتناب از دلبستگی عاطفی دیده می‌شود و اجتناب از صمیمیت جزء جدایی‌ناپذیر افراد در گیر در روابط فرازنشویی است. نگوزیچکوکا (۲۰۲۱) نشان داد که ترومای کودکی منجر به ایجاد دلبستگی اجتنابی در روابط زناشویی می‌شود و در توانایی اعتماد و صمیمیت با همسر تداخل ایجاد می‌کند و موجب شکل‌گیری محرومیت هیجانی می‌شود (گوبوت و همکاران، ۲۰۲۰). عزیزبور و همکاران (۱۳۹۹) نیز نشان دادند افرادی که روابط فرازنشویی داشته‌اند در دوران کودکی ترومای‌های عاطفی جدی از جمله محرومیت، درماندگی و گسستگی هیجانی را تجربه کرده‌اند.

همچنین یافته‌ی دیگر پژوهش نشان داد که طرحواره‌های هیجانی انتباقی و غیرانتباقی در رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی ایمن و اضطرابی-دوسوگرا با گرایش به روابط فرازنشویی نقش میانجی دارد. این یافته‌ی پژوهش به طور کلی با نتایج یافته‌های فارسیجانی و همکاران (۱۴۰۰)، ملکعسرگ و همکاران (۱۳۹۹)، شاهورانی و خرمایی (۱۳۹۷)، پوراسماعیلی و همکاران (۲۰۲۱)، اولرایث (۲۰۱۹)، ادواردز و پیرمن (۲۰۱۹) و جکسون و همکاران (۲۰۱۴) همسو است. به منظور تبیین این یافته پژوهش می‌توان به تأثیرپذیری طرحواره‌های هیجانی افراد از سبک‌های دلبستگی ایشان و اثرگذاری طرحواره‌های هیجانی آنان بر گرایش به روابط فرازنشویی اشاره نمود. در واقع سبک دلبستگی نه تنها بر روابط شکل گرفته در زندگی بزرگسالی، بلکه بر تنظیم هیجان در روابط نیز تأثیر می‌گذارد. زیرا نوع رابطه با والدین بر نحوه کنار آمدن کودک با هیجانات و شکل‌دهی باورهای مربوط به هیجانات تاثیر دارد و عدم پاسخگویی والدین به نیازهای عاطفی کودک، منجر به عدم پذیرش هیجان و سرزنش خود می‌شود (تاسورن، ۲۰۲۲). فارسیجانی و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند سبک دلبستگی ایمن، روش‌های مؤثر تنظیم هیجان در قالب طرحواره‌های هیجانی انتباقی را رشد می‌دهد؛ و سبک‌های دلبستگی نایامن، روش‌های نامناسب تنظیم هیجان یعنی طرحواره‌های هیجانی غیرانتباقی را رشد می‌دهند. از طرفی چون افراد دارای طرحواره‌های هیجانی غیرانتباقی تمايل

بررسی رابطه ساختاری سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی: نقش میانجی طرحواره‌های هیجانی
Investigating the structural relationship between attachment styles and childhood trauma with a tendency to extramarital ...

بیشتری به خود سرزنش‌گری، احساس گناه و عدم پذیرش هیجان دارند و به هنگام تنفس در روابط زوجی قادر نیستند از آن هیجان عبور کردند؛ باعث می‌شود مشکلات بین‌فردی بیشتری چون تعارضات زناشویی و گرایش به روابط فرازناشویی داشته باشند. اما افراد دارای طرحواره‌های هیجانی انطباقی از هیجانات خود باخبر هستند، باورهای قابل کنترل دارند و در زمانی که تعارض‌های بین‌فردی افزایش می‌یابد به علت داشتن طرحواره ارزش‌های والاتر، با سنجش آسیب‌های روابط فرازناشویی، گرایش کمتری به روابط فرازناشویی دارند. امیری‌نژاد و همکاران (۱۴۰۰) نشان دادند زمانی که والدین به فرزند نشان دهند که او را دوست داشته و می‌پذیرند، فرزند نیز قادر است خود و احساساتش را بپذیرد. این پذیرش تا بزرگسالی ادامه می‌یابد و هنگامی که فرد در رابطه با همسرش دچار هیجانات منفی می‌شود، می‌تواند با استفاده از راهبردهای مناسب تنظیم هیجان از بروز پاسخ‌های مخرب به هیجانات جلوگیری کرده و مانع بروز تعارضات زناشویی و گرایش به روابط فرازناشویی شود.

آخرین یافته‌ی پژوهش نیز نشان داد که طرحواره‌های هیجانی انطباقی در رابطه‌ی بین ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی نقش میانجی دارد. این یافته‌ی پژوهش به طور کلی با نتایج یافته‌های تاسورن (۲۰۱۹)، بوگ و همکاران (۲۰۲۲)، جکسون و همکاران (۲۰۱۴)، ملک‌عسگر و همکاران (۱۳۹۹)، رضایی و همکاران (۱۳۹۷) و زمانی‌زراچی و همکاران (۱۳۹۷) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که ترومای کودکی در شکل‌گیری تعدادی از طرحواره‌های هیجانی مؤثر بوده و از طرفی این طرحواره‌های هیجانی شکل گرفته بر گرایش به روابط فرازناشویی نیز تأثیرگذارند. به عبارت دیگر طرحواره‌های هیجانی نقش عمده‌ای در تفکر، احساس و نحوه‌ی برقراری ارتباط افراد با دیگران بازی می‌کنند و به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر، زندگی بزرگسالی را به شرایط ناگوار دوران کودکی می‌کشانند. الگوی طرحواره هیجانی، در رابطه با علت ایجاد طرحواره، بر اهمیت تجربه‌های تربیت هیجانی در خانواده تأکید می‌کند و محیط‌های آسیب‌زا را در ایجاد باورها درباره هیجان مؤثر می‌داند؛ زیرا افراد با سابقه ترومای کودکی در روابط خود با والدین به این باور رسیده‌اند که برخی هیجانات بد است و باید از آن‌ها اجتناب کرد (تاسورن، ۲۰۱۹). بوگ و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند که شکل‌گیری باورهای منفی درباره هیجان و بی‌نظمی هیجانی از پیامدهای رشد فرد در محیط‌های تربیتی آسیب‌زا محسوب می‌شود. بنابراین وقتی فرد در کودکی تحت ترومای قرار می‌گیرد و هیجان شدیدی به فرد وارد می‌شود، در تعديل واکنش‌های هیجانی و توانایی جدا شدن از محتواهی هیجانی منفی مشکل بیشتری نشان می‌دهد و از راهبردهای تنظیم هیجانی ناکارآمد و طرحواره‌های هیجانی منفی استفاده می‌کند. در واقع، تroma که در نتیجه آسیب بین‌فردی ایجاد می‌شود، می‌تواند آسیب‌پذیری هیجانی را به دنبال داشته باشد زیرا احساس نقص، شرم و خیانت در فرد مبتلا وجود دارد. چنین احساساتی ممکن است بی‌اعتمادی به افراد مهم زندگی را در دوران بزرگسالی منجر شوند و احتمالاً این موضوع نیز می‌تواند پایه گرایش به روابط فرازناشویی باشد.

همان‌طور که اشاره شد، اولین نهاد مهم و اثرگذار که فرد در آن رشد می‌یابد، خانواده‌ی اوست. منبع اصلی شکل‌گیری طرحواره‌های هیجانی افراد، در خانواده ایشان و تجارب اولیه آنان در دوران کودکی نهفته است، افراد دارای طرحواره‌های هیجانی غیرانطباقی در دوران اولیه کودکی روابط عاطفی نامناسبی را با والدین خود تجربه کرده‌اند که منجر به شکل‌گیری باورهای ارزیابی‌گرایانه در مورد خود و دیگران می‌شود و چون وجود این طرحواره‌های منفی اجازه تجربه روابط صمیمانه و می‌تنی بر عشق حقیقی در چارچوب ازدواج را به آن‌ها نمی‌دهد؛ لذا گرایش به روابط فرازناشویی در آن‌ها بالاتر می‌رود. بنابراین با تقویت طرحواره‌های هیجانی انطباقی در دانشجویان متأهل، می‌توان رابطه سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی را تحت تأثیر قرار داد.

هر پژوهشی در بطن خود محدودیت‌های دارد. این پژوهش در همه‌گیری کووید-۱۹ انجام شده است که به دلیل وجود شرایط خاص، امکان دیدار چهره به چهره با نمونه‌ها جهت توجیه شرایط و الزامات پژوهش وجود نداشت. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس به صورت آنلاین استفاده شده است؛ که می‌باشد در تعمیم نتایج به این محدودیت‌ها توجه گردد. همچنین پژوهش روی دانشجویان متأهل دانشگاه گیلان انجام گرفت و نمونه‌های مورد نظر ویژگی‌های جمعیت‌شناسنامه چون طول مدت ازدواج و تعداد فرزند تفاوت داشتند؛ لذا پیشنهاد می‌شود روی جامعه پژوهشی دیگر تکرار شود و نقش این متغیرها با دقت بیشتری در میزان گرایش به روابط فرازناشویی افراد مورد بررسی قرار گیرد. همچنین در حیطه کاربردی با توجه به نقشی که سبک‌های دلبستگی، ترومای دوران کودکی و طرحواره‌های هیجانی در گرایش به روابط فرازناشویی دارند، پیشنهاد می‌شود که مشاوران مراکز مشاوره دانشگاهی با تشکیل کارگاه‌های آموزشی به آگاهی‌بخشی و تقویت سازه‌های شخصی مرتبط که فرد را از گرایش به روابط فرازناشویی مصون می‌دارد، مبادرت نمایند.

منابع

- امیری‌نژاد، م.، صادقی، م.، و پناغی، ل. (۱۴۰۰). نقش میانجی طرحواره‌های هیجانی در رابطه بین پیوند والدینی و صمیمیت زناشویی. *فصلنامه خانواده پژوهی*, ۲۴۱-۲۰۹. ۶۶(۱۷).
- بختیاری، ا.، حسینی، س.، عارفی، م.، و افشاری‌نیا، ک. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی در رابطه بین سبک‌های دلستگی و نگرش به خیانت زناشویی. *فصلنامه علمی پژوهش‌های مشاوره انجمن مشاوره ایران*, ۲۰(۷۷). ۱۴۰-۱۲۲.
- حسنوند، ص.، کربلایی محمد میگوئی، ا.، و رضابخش، ح. (۱۴۰۰). پیش‌بینی افکار پارانوئید براساس سبک‌های دلستگی با میانجی‌گری اجتناب تجربی در زنان مبتلا به افسردگی پس از زایمان. *مدیریت ارتقای سلامت*, ۱۰(۴). ۱۳۵-۱۲۳.
- ذرترانی، ا.، برماس، ح.، و ثابت، م. (۱۳۹۹). همبستگی ترومای کودکی و ایده پردازی خودکشی با میانجی‌گری درد روانی و روابط موضوعی. *نشریه مدیریت ارتقای سلامت*, ۹(۳). ۴۸-۳۴.
- رضایی، م.، صالحی، ج.، و احمدی، س. (۱۴۰۰). رابطه بین غفلت ادراک شده کودکی و نشانه‌های افسردگی: بررسی نقش واسطه‌ای طرحواره‌های هیجانی. *روان‌شناسی پالینی*, ۱۰(۳). ۱۱۲-۱۰۱.
- رضایی، م.، صالحی، ج.، و احمدی، س. (۱۳۹۷). مقایسه طرحواره‌های هیجانی و خود سرکوبگری در زنان متقارضی طلاق و غیر متقارضی طلاق. *دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده*, ۲۶(۱۵۸-۱۴۷). ۱۴۷-۱۵۸.
- سلیمانی، ع.، لشکری، آ.، و ترابی، ا. (۱۴۰۰). ارتباط تroma و بهزیستی روان‌شناختی: نقش واسطه‌ای ترس از شادی و ناگویی خلقی. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*, ۱۹(۱). ۱۲۷-۱۱۶.
- شاهورانی، س.م.، و خرمایی، ف. (۱۳۹۷). بررسی ویژگی‌های روان‌سنگی مقیاس طرحواره‌های هیجانی. *رویش روان‌شناسی*, ۷(۸). ۷۷۴-۷۶۶.
- شاهی، م.ر. (۱۳۹۸). پیش‌بینی پیمان‌شکنی براساس ذهنیت‌های طرحواره‌ای، تجربه کودک‌آزاری و راهبردهای تنظیم هیجان در زنان پیمان‌شکن و غیر پیمان‌شکن. *پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه اردکان*. <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/d85c03d08b9d5ab508ac1f49caa2c>
- صفری، م.، رضاخانی، س.، و دوکانه‌ای فرد، ف. (۱۴۰۱). نقش واسطه‌ای بخشدگی بین فردی در رابطه بین تمایز یافتنی و شایستگی اجتماعی دانشجویان. *رویش روان‌شناسی*, ۱۱(۳). ۶۸-۶۰.
- فارسی‌جانی، ن.، پورشهریار، ح.، ملحی، ا.، و رضواندل‌رمزی، ف. (۱۴۰۰). مدل معادلات ساختاری رابطه بین سبک‌های دلستگی و پریشانی روان‌شناختی: نقش واسطه‌ای طرحواره‌های هیجانی. *رویش روان‌شناسی*, ۱۰(۴). ۶۷-۶۶.
- فرخزادیان، ع.ا.، رضایی، ف.، و صادقی، م. (۱۳۹۸). نقش میانجی طرحواره‌های هیجانی در رابطه بین آسیب‌های دوران کودکی با اختلال اضطراب فراغیر. *روان‌شناسی پالینی و شخصیت*, ۱۷(۲). ۲۹۱۰-۸۹.
- قهاری، ش (۱۳۹۵). *پیمان شکنی در زناشویی*. تهران: نشر دانزه.
- کریمی، س؛ یوسفی، ر؛ سلیمانی، م. (۱۳۹۶). نقش صفات بنیادی شخصیت در پیش‌بینی مولفه‌های خیانت زناشویی از دیدگاه دانشجویان. *روان‌شناسی پالینی و شخصیت (دانشور رفتار)*, ۱۵(۲). ۹۷-۱۰۹.
- فردوسی، س. (۱۳۹۷). پیش‌بینی نگرش به خیانت براساس رفتار دلستگی در روابط زناشویی، کیفیت روابط زناشویی و سبک‌های دلستگی در زنان متأهل. *دوفصلنامه روان‌شناسی معاصر*, ۱۳(۲). ۱۵۷-۱۵۱.
- عزیزپور، ص.، رضاپور‌میرصالح، ی.، و متقی، ش. (۱۳۹۹). بررسی ابعاد هیجانی و روان‌شناختی آسیب‌های دوران کودکی در مردان و زنان دارای پیشینه خیانت زناشویی. *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*, ۱۰(۲). ۳۶۰-۳۲۹.
- عیسی‌پور هفتخوانی، م.، دوستی، ی.، و دنبوی، ر. (۱۴۰۰). نقش میانجی روان‌نگوری در رابطه بین سبک‌های دلستگی عاشقانه با روابط فرازناشویی در زوجین مراجعة‌کننده به مراکز جهت طلاق. *محله مطالعات ناتوانی*, ۴۴(۱۱). ۱۳-۱۷.
- ملک‌عسگر، س.، مظاہری، م.ع.، فتنی، ل.، موتایی، ف.، و حیدری، م. (۱۳۹۹). دیدگاه طرحواره درمانگران نسبت به نقش مؤلفه‌های طرحواره‌ای در سبب‌شناسی خیانت زناشویی یک مطالعه کیفی. *فصلنامه خانواده پژوهی*, ۱۶(۲). ۲۱۶-۱۹۹.
- ناصری‌کریموند، آ.، و اعظمی، ا. (۱۴۰۰). نقش واسطه‌ای ادراک شایستگی و حل مسئله اجتماعی در رابطه بین سبک‌های دلستگی و پرخاشگری در نوجوانان. *رویش روان‌شناسی*, ۱۰(۶). ۸۴-۷۵.
- نریمانی، م.، و ابراهیمی، ف. (۱۳۹۹). تعیین نقش سبک‌های دلستگی و بازداری هیجانی در پیش‌بینی گرایش به روابط فرازناشویی در زوجین جوان. *سومین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی، اردبیل*. <https://civilica.com/doc/1369328/>

بررسی رابطه ساختاری سبک‌های دلبستگی و ترومای دوران کودکی با گرایش به روابط فرازناشویی: نقش میانجی طرحواره‌های هیجانی
Investigating the structural relationship between attachment styles and childhood trauma with a tendency to extramarital ...

- و جانی، ش.، کرمی، م.، و احمدی، ص. (۱۳۹۹). بررسی نقش تعدیل‌گری باورهای مذهبی در رابطه بین سبک‌های دلبستگی با نگرش به خیانت در زنان متاهل.
<http://doi.org/10.22051/JWSPS.2020.30750.2187>
- Asayesh, M. H., Farahbakhsh, K., Delavar, A., & SALIMI, B. H. (2017). Psychosomatic Reactions and Physiological Effects of Infidelity among the Female Victims: A Phenomenological Study. *Journal of Shahid Sadoughi University of Medical Sciences*; 25 (8) :641-657. https://jssu.ssu.ac.ir/browse.php?a_id=4028&sid=1&slc_lang=en.
- Altinok, A., & Kilic, N. (2020). Exploring the associations between narcissism, intentions towards infidelity and relationship satisfaction: attachment styles as a moderator. *PLoS ONE*, 15(11). <http://doi.org/10.1371/journal.pone.0242277>.
- Azizpour, S., Rezapour Mirsaleh, Y., & Mottaghi, M. (2022). Evaluation of behavioral and physical dimensions of childhood traumas in couples who have marital infidelity. *Research in Clinical Psychology and Counseling*, 12(2), 47-64. https://tpccp.um.ac.ir/article_43191.html.
- Baugh, L. M., Cox, D. W., Young, R. A., & Kealy, D. (2019). Partner trust and childhood emotional maltreatment: the mediating and moderating roles of maladaptive schemas and psychological flexibility. *Journal of Contextual Behavioral Science*, 12, 66-73. <https://doi.org/10.1016/j.jcbs.2019.02.001>
- Conroy, A. A., McKenna, S. A., Comfort, M. L., Darbes, L. A., Tan, J. Y., & Mkandawire, J. (2018). Marital infidelity, food insecurity, and couple instability: A web of challenges for dyadic coordination around antiretroviral therapy. *Social Science & Medicine*, 214, 110-117. <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0277953618304301>.
- Edwards, E. R., & Wupperman, P. (2019). Research on emotional schemas: A review of findings and challenges. *Clinical Psychologist*, 23(1), 3-14. <https://doi.org/10.1111/cp.12171>.
- Filimon, D. (2021). Internet infidelity and attachment injury in a romanian women sample: A qualitative study of the online sexual infidelity dimension. *European Integration-Realities and Perspectives*, 16(1), 477-490. <https://dp.univ-danubius.or/index.php/EIRP/article/view/222>.
- Hogan, K. (2019). *Childhood trauma and adult romantic relationships*. Masters Thesis, California State University Stanislaus. <http://hdl.handle.net/20.500.12680/dv13zy08v>
- Jackson, J. B., Miller, R. B., Oka, M., & Henry, R. G. (2014). Gender differences in marital satisfaction: A meta-analysis. *Journal of Marriage and Family*, 76(1), 105-129. <https://doi.org/10.1111/jomf.12077>
- Garrusi, B., & Nakhaee, N. (2009). Validity and reliability of a persian version of the childhood trauma questionnaire. *Psychological Reports*, 104, 509-516. <http://doi.org/10.2466/PRO.104.2.509-516>
- Gobout, N., Morissette, F., Cyr, G., & Belanger, C. (2020). Cumulative childhood trauma and couple satisfaction: examining mediating the role of mindfulness. *Mindfulness*, 11, 1723-1733. <https://doi.org/10.1007/s12671-020-01390-x>
- Hammer, J. (2021). The Impact of Infidelity on the Family System. MA Thesis, City University of Seattle. <https://repository.cityu.edu/bitstream/handle/20.500.11803/1625/JamieHammerCapstone.pdf?sequence=2&isAllowed=y>.
- Kline, R. B. (2005). *Principles and practice of structural equation modeling* (2nd ed). New York: Guilford. <https://psycnet.apa.org/record/2005-03476-000>
- Negash, S., & Morgan, M. L. (2016). A family affair: Examining the impact of parental infidelity on children using a structural family therapy framework. *Contemporary Family Therapy*, 38(2), 198-209. <https://www.researchgate.net/publication/284068213>.
- Ngozichukwuka, C. A. (2021). *Exploring adult attachment in intimate relationships among women who were exposed to intimate partner violence in childhood: a convergent mixed methods approach*. Theses (Ph.D), USF Tampa Graduate. <https://digitalcommons.usf.edu/etd/9056>
- Leahy, R. L. (2019). Introduction: Emotional Schemas and Emotional Schema Therapy. *International Journal of Cognitive Therapy*, 12, 1-4. <https://doi.org/10.1007/s41811-018-0038-5>.
- Orlaith, P. (2019). *An Investigation of the Association between Adult Attachment Styles, Emotional Intelligence and Marital Satisfaction as an outcome*. Undergraduate thesis, Dublin, National College of Ireland. <http://norma.ncirl.ie/id/eprint/3778>
- Ozkul, K. (2020). *Dishonesty in Close Relationships: The Effect of The Dark Triad Personality Traits and Adult Attachment Styles on The Perceptions of Infidelity*. Thesis (Ph.D). Middle East Technical University. <http://hdl.handle.net/11511/45696>
- Ozteke-Kozan, H. I., & Arslan, c. (2022). Social anxiety among college students: predictive roles of attachment insecurity and emotional schemas. *International Journal of Psychology and Educational Studies*, 9(1), 22-31. <https://dx.doi.org/10.52380/ijpes.2022.9.1.387>
- Pouresmaili Najafabadi, Z., Alibeigi, N., & Eskandarnia, E. (2021). Comparison of cognitive and emotional schema in women with and without marital satisfaction. *World Journal Advanced Research and Reviews*, 12(01), 056-065. <https://doi.org/10.30574/wjarr.2021.12.1.0455>
- Raymo, J. M., & Park, H. (2020). Marriage Decline in Korea: Changing Composition of the Domestic Marriage Market and Growth in International Marriage. *Demography*, 57(20), 1-24. <https://doi.org/10.1007/s13524-019-00844-9>
- Sakotic-Kurbalija, J., Kurbalija, D., Trifunovic, B., & Grabovac, B. (2022). women's attachment style and dyadic adjustment: the mediator role of perceived efficacy in solving marital conflicts. *Drustvena Istrazivanja: Casopis za Opca Drustvena Pitana*, 31(2), 301-320. <https://doi.org/10.5559/di.31.2.06>.
- Tasoren, A. B. (2022). Childhood maltreatment and emotional distress: The role of beliefs about emotion and psychological inflexibility. *Curr Psychol*. <https://doi.org/10.1007/s12144-021-02594-7>
- Tuttle, J. D., & Davis, S. N. (2015). Religion, infidelity, and divorce: Reexamining the effect of religious behavior on divorce among long-married couples. *Journal of divorce & remarriage*, 56(6), 475-489. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/10502556.2015.1058660>.
- Valentova, J. V., de Moraes, A. C., & Varella, M. A. C. (2020). Gender, sexual orientation and type of relationship influence individual differences in jealousy: A large Brazilian sample. *Personality and Individual Differences*, 157, 109805. <https://doi.org/10.1016/j.paid.2019.109805>